



تأویل، خروج از معنای ظاهر و ورود به بواطن قرآن است

بررسی محاسن و معایب تفسیر و تأویل عرفانی

تأویل، خروج از معنای ظاهر و ورود به بواطن قرآن است

گروه اندیشه: تأویل آیات قرآن، خروج از معنای ظاهر آیات و ورود به ساحت‌های باطنی آیات قرآن کریم - با اختلاف مشاربی که دارد - است.

استاد «منوچهر صدوقی‌سها»^{*} از پژوهشگران فلسفه و عرفان اسلامی، در باب محاسن و معایب تفسیر و تأویل عرفانی با بیان مطلب فوق، گفت: واقعیت آن است که در باب آیات قرآن کریم، سه عنوان اساسی وجود دارد: تنزیل، تفسیر و تأویل که هر سه از اصطلاحات قرآنی هستند. هم تنزیل با مشتقات و ماده‌اش، هم تفسیر و هم تأویل.

وی افزود: تأویل تنها یک بار در قرآن آمده است. کلمه «تفسیر» 17 بار در قرآن آمده است و تنزیل در قرآن با ماده و مشتقاتش: انتزال، تنزیل، نزل و نزل و ... بسیار فراوان است.

تنزیل در عرف عرفای اسلامی و مفسرین عبارت است از همین الفاظ آیات.

نویسنده کتاب «تاریخ حکمای متأخر ایران» گفت: شما وقتی یک آیه شریفه را می‌خوانید، مثلاً: «إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ» که مشتمل بر حروف است، به اعتباری به آن تنزیل

گفته می‌شود. یک مرتبه بالاتر از آن تفسیر است، اما در تفسیر، عقاید مختلف است، مثل اکثر مسائل دیگر.

صدوقی سها ادامه داد: جامع‌ترین تعریفی که من دیدم، از استاد بنده، آیت‌الله «سیدمحمدکاظم عصار (ره)» - از بزرگان عرفا و فلاسفه معاصر ایران - است که می‌فرمودند: تفسیر در واقع کشف معانی آیات الهی است در حد توان بشری. این قید (در حد توان بشری)، خیلی مهم است.

وی افزود: همان طوری که در تعریف حکمت گفته می‌شود: «هی العلم باحوال الحقایق الأعیان الموجودات إلى قدر طاقةالبشریه»، این‌جا هم آقای عصار، «إلى قدر طاقةالبشریه» را اضافه کردند؛ البته از قدما افرادی بودند که این قید را داشتند.

از شرایط تأویل این است که معنای باطنی، معنای ظاهری را از بین نبرد، تأویلی درست است که در طول معنای ظاهر باشد

وی در ادامه سخنانش گفت: به هر حال تفسیر، تقریباً در ساحت کلاسیک عبارت است از: آشکار کردن معانی الفاظ. خود لفظ یعنی تنزیل و تبیین معانی الفاظ یعنی تفسیر. اما در مرحله سوم پای تأویل به میان می‌آید. تأویل معرکه آرا است که مخالفان و موافقان نظرات مختلفی را در این زمینه ابراز داشته‌اند.

مصحح کتاب «اسرارالحکم» گفت: در خود قرآن کریم، «تأویل» به یک معنا نیست. شاید بتوان گفت تأویل مشترک لفظی است؛ یعنی یک لفظ است به معانی مختلف و متعدد.

ظاهر این است که در خود قرآن، تأویل به یک معنا نیست، بلکه به چند معناست. به اعتباری می‌توان گفت مشترک لفظی است.

وی در بیان تفاوت تأویل و تفسیر گفت: اگر بخواهیم به معنی جامعی دست پیدا کنیم، تأویل در ساحت عرف مفسرین (تعریف کلاسیک) عبارت است از: آوردن معنایی که عین

معنای ظاهر نیست. تفسیر گسترده معنای ظاهری تنزیل نیست. تأویل خروج از ظاهر آیه است. در تفسیر از ظاهر آیه نمی‌توان خارج شد، هر چه ظاهر افاده می‌کند، همان را می‌توان شرح کرد.

وی افزود: تأویل در واقع خروج از ظهور ابتدایی حداقل معنای آیه شریفه است. این تأویل انواع و اقسامی دارد که در مقدمه کتاب در دست انتشار «سلسله‌المختارات من

نصوص التفسیرالمستنبط» آورده‌ام. در مقدمه آمده است که تأویل نزولی تنزیل لفظ است و تقييد اطلاق آن به نازل و مقیدی یگانه، به گونه‌ای که معنای مؤول حاصل، یکی از معانی لفظ و بلکه غالباً معنای منحصر به فرد آن به شمار آید.

وی در بیان تعریف تأویل صعودی گفت: تأویل صعودی، تصعید لفظ است به معنای ظاهر و از پی آن تصعید معنای ظاهر به معنایی باطن و معنای باطن حاصل به حقیقت

معنی. تأویل به طور خلاصه، خروج از معنای ظاهر آیات و ورود به ساحت‌های باطنی آیات قرآن کریم است با اختلاف مشاربی که دارد.

وی در ادامه سخنانش افزود: در مقدمه جلد اول کتاب در دست انتشار «سلسله‌المختارات من نصوص التفسیرالمستنبط»، 8 گونه از انواع تأویل را بیان کردم. بر پایه خود آیات

قرآن، مستندات قرآنی متعددی را در باب تأویل از خود قرآن استخراج کردم؛ یعنی تفسیر اشاعی، تفسیر بطنی و ... ماحصلش این است که تأویل یعنی ورود از ظاهر آیات به

معانی باطنیش.

وی در پاسخ این سؤال که حجیت تأویل از کجا معلوم می‌شود؟ گفت: عده‌ای منکر این هستند که اصلاً قرآن تأویل داشته باشد. این را با قاطعیت تمام می‌توان گفت که غلط

است. قرآن کریم به صراحت خود دارای تأویل است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي

قُلُوبِهِمْ رِزْقٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»، (آیه 7 سوره 3)

وی افزود: به اصطلاح اصولیین و علمای قدیم، آیات قرآن تأویل دارد و یا به اصطلاح «مفروغ علیه» است؛ یعنی امر ثابتی است. اگر قرآن می‌فرماید، پس این امر وجود دارد. به

هر حال این که کسی بگوید قرآن تأویل ندارد درست نیست. کسی که بگوید قرآن منحصر به امر ظاهر است، خلاف قرآن است؛ هم خلاف ظاهر قرآن است و هم خلاف باطن قرآن.

در رأس تأویلات، تأویلاتی است که از ائمه معصومین (ع) است. از آن‌ها که بگذریم چند ضایعه اساسی باید رعایت شود: اول این‌که معنای باطنی، معنای ظاهری را از بین نبرد، چون ما داریم به

تأویل می‌کنیم. اگر تأویل ما ظاهر آیه را کلاً ابطال کند، قضیه لوث می‌شود

وی در بیان چگونگی اثبات حجیت تأویل گفت: این‌که کدام تأویل درست و کدام نادرست است، معرکه آرا است. چنین نیست که هر تأویلی درست باشد. تأویل باطله هم بسیار

موجود است. در این کتاب در دست انتشار «سلسله‌المختارات من نصوص التفسیرالمستنبط» متون متعددی دیدم که مشتمل بر تأویل است و مطلقاً مقبول بنده نیست. تأویلات

باطله وارده، بسیار فراوان است.

وی در بیان ضوابط برای تعیین درستی و نادرستی تأویل گفت: برای تأویل ضایعه داریم. در رأس تأویلات، تأویلاتی است که از ائمه معصومین (ع) است. از آن‌ها که بگذریم چند

ضایعه اساسی باید رعایت شود: اول این‌که معنای باطنی، معنای ظاهری را از بین نبرد، چون ما داریم به هر حال آیه را تأویل می‌کنیم. اگر تأویل ما ظاهر آیه را کلاً ابطال کند،

قضیه لوث می‌شود. تأویلی درست است که در طول معنای ظاهر باشد.

نویسنده کتاب «تاریخ تصوف جدید در ایران» گفت: در تقسیم‌بندی تأویل که در مقدمه اثر در دست انتشار «سلسله‌المختارات من نصوص التفسیرالمستنبط» اشاره شده، تأویل

مطلق، تأویل مقید، تأویل صعودی و تأویل نزولی داریم که تأویل صعودی این است که شما معنای محدود يك لفظ را صعودی می‌کنید. معنای محدود را می‌برید به عرف معنای مطلق. این تأویل با ضوابطی درست است، اما يك تأویل نزولی داریم که معنای لفظ را تنزیل می‌کند؛ یعنی به يك معنای واحد منحصر می‌کند که این می‌تواند کلاً باطل باشد. وی افزود: یکی از ضابطه‌های دیگر این است که آن معنای باطنی قرآن، مخالف ظاهر آن نباشد، بلکه در طول ظاهر باشد. به طور خلاصه ظاهر را از بین نبرد. هر تأویلی که حجیت قرآن را از ظاهر انداخت، نادرست است.